آداب پهلوی (۱)

تألیف

(روحی دستغیب شیرازی)

صفر سنه ۱۳۴۵

تنبیه - این رساله مقدمه بسیار مختصری از علم ادب پهلوی است که در سنه ۱۳۴۳ تألیف و ترجمه نموده و چند جزو آنرا در مجله آرین درج نموده‌ام. چون این اوان که وهابیها در حجاز خروج کرده و بقیع را خراب نموده دیانت اسلامی برآنم داشت که فی‌الجمله آن مقدمه را شرح و بسط داده و وجوب دفاع از آنان و تصرف عربستان را بر ملت مسلمان نجیب ایران دیانةً و سیاسةً مدلل دارم لذا در محرم سنه ۱۳۴۵ در عرض یک هفته این رساله را تألیف با آن مقدمه شرح و بسط داده و او را بنام نامی مبارک **اعلیحضرت همایون شاهنشاهی پهلوی خلد الله ملکه مزین ساختم.**

---

(۱) - تقدیم [illegible] [illegible] که [illegible] [illegible] ملت آرین و ایران قدیم را [illegible] نموده‌ام.

بسمه تعالی

پیشگاه

نایب ... اعلیحضرت همایون شاهنشاهی پهلوی
خاندان شاهنشاهی و مجامع علمی شرق و غرب اسلام و فلسفه دولت

یکی از مورخین و فلاسفه تاریخ بزرگ ما در این قرن که خدمات شایانی بتاریخ اسلام و عرب کرده اند
مستشرق و محقق بزرگ اسلامی پروفسور حتی استاد دانشگاه پرینستون ... المآل است .
این نویسنده فاضل از روی بیست ... تاریخ کتب و آثار و معلومات مورد نظر و مصادر تواریخ حکیم
صرف مطالعه و تتبع کتب اسلامی نموده و فلسفه تاریخ ملت عرب را از ابتدای حال تا این زمان در کتاب
حتی ... نگاشته و در مصادری که بایستی یاد و حق را تشکر نمود برای احدی باقی نگذاشته
جهت ... کتاب تألیف تاریخ عرب ... بزرگی ... . از جهت ... اسلام و عرب و در تحت
سیطره و سلطنت اروپا در حجاز و یمن و عراق و در تحت سیطره و نفوذ و سلطنت ایران و اروپا
بوده و همیشه بچشم عظمت و بزرگواری به ایرانیان نگریسته و با نهایت قدرت و جلال از تمام کشور
از ... به ایران آمده و معامله و تجارت کرده اند ، تا آنکه در قرن ۶ قبل از بعثت
پیغمبر اکرم ... سلطان ... لشکر کشیده و یمن را ... با نوشیروان ... شده
از انوشیروان لشکر ... حبشیان را از حجاز راندند و از آن وقت بسیاری از قبایل یمن ...

جنگها کرده‌اند و با اعراب مزاوجت نموده‌اند و در میان یمن و مستعمرات ایران شدند. اهل حبشه نیز
شکست از فارسیان یافته فیلهای خود را بجهت هجوم بخانهٔ کعبه آورده و آن سال معروف بعام الفیل گشت.

ایرانیان نیز از مساعدت با عربها خودداری ننمودند تا آنکه اهل حبشه از یمن نیز خارج شدند و چون
ساکنین خارج که از یمن بودند با تسخیر یمن خطهٔ مستعمرهٔ ایران شد و فارسیان نیز در آن ورود با سبب
ذوی الانساب بنا کردند و از شیروان و زابلستان مردم به آنجا [illegible] و [illegible] تمدن را ساختند که همان
معاهد علمیه در تربیت عرب شبیه به آنها و قریحهٔ شعری که بعد از آنها پیدا شد خیلی [illegible] که
جمیع مقدمات آن [illegible] پیغمبر اکرم محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم در زمان سلطان
عادل انوشیروان ساسانی که ستارهٔ ایران طالع و بیرق [illegible] آمد و عدالت را [illegible]
منور و مشعشع ساخت چنانچه خود فرماید انی ولدت فی زمن الملک العادل و
ایرانیان نیز در وقت بعثت نیز با آن حضرت نهایت مساعدت و همراهی نموده چنانچه حضرت سلمان
و پاره‌ای قسمت‌ها را سلمان آموخت و با اندازه‌ای تقرب با آن حضرت جستند که حضرت
در حق سلمان فرمود سلمان منا اهل البیت و در علم و هنر چنان بودند که آن حضرت فرماید لو کان العلم
فی الثریا لنالته رجال من اهل فارس و برکت حضرت [illegible] ظهور [illegible]
[illegible] جاهلیت اهل وحشی چنانچه خود فرماید الاعراب اشد کفرا و
نفاقا (شرح هر یک بیاید)

در این اختلاط و امتزاج فارسیان با عرب و مساعدت‌ها با علما و فضلا و شعرا و [illegible]

انوشیروان در یمن فی الجمله قریحه شعر و شاعری در اعراب پیدا شد تا یک قرن قبل از
بعثت که در قبائل اعراب با هم بنای نزاع و خورد و ریز گذاشته و حجاز و یمن را هم از تحت
امارت یمن خارج کردند و پیش شعراء و ادباء و فضلاء. و قواد فارس که لشکریان خود را جیش
در تعقیب میکردند اعراب نیز تقلید کرده و شعراء و فضلاء ایران که ما نمونه شعر و حکمت و
ادبیات را در بردند برای آنکه قراء عظام گمان نکنند اظهارات و مطالبی را که از جرجی زیدان
نقل کردیم بی اصل است ناچار برای هر یک از مدعای خود از کتب نویسنده معروف حکایاتی را
مذکور خواهیم داشت. پیش از آنکه داخل در ذکر و ایراد اقوال جرجی زیدان برای اثبات
مدعای خود کردیم لازم است که شرذمه قلیلی از معنی ادبیات و مظاهر آن شعر و خطابه و غیره را
[illegible] در این رساله در این جا مذکور داریم و بعد به تبیین مطالب خود بپردازیم و مقدمه خود را
با این ختم نمائیم که امروزه به اعلیحضرت همایون شاهنشاهی پهلوی خلد الله ملکه که این
رساله را بنام نامی مبارکش موسوم ساخته‌ایم و مجلس شورای ملی و هیئت وزراء عظام و دولت
واجب و فرض است که مستعمره خود را متصرف نمایند و از تعدی دشمنان قبور ائمه و پیشوایان شیعه
در این [illegible] نمایند. تمام اهل عالم امروزه تصدیق [illegible] دولت ایران متصرف عربستان باشد [illegible]
و [illegible] مذکوره گواهی [illegible] شده.

اولاً که [illegible] مربوط شیعه است دولت ایران است و باید که قبور ائمه اطهار را از
بناهای خود [illegible] است برای حفظ مقام آن بزرگواران در تحت تصرف خود ایران باشد.

ثانیاً - که عربستان بدلائلی که از فحوای مطالب شنیده خود عرب معلوم میشود مستعمره‌ای از ایران بوده -

ثالثاً - که علوم و حقیقیات و ادبیات و تمام جهات دیگر عرب از فارسیها و ایرانیها است.

رابعاً - در دوره اسلام فارسیها خیلی خدمت بدین اسلام نمودند و در اکناف و اطراف عالم دین اسلام را ترویج دادند و بضرب شمشیر قبولانیدند.

ادبیات

ادب هر چیزی محاسنی است که در آن است و دلالت بر نیکی ذات آن دارد.

ادب نفس محاسنی است در انسان که دلالت بر نیکی نفس آن دارد. (۱)

ادب کلام یا ادبیات - جودت و حسن الفاظ و ترکیب آن است که دلالت بر جودت و حسن معنی دارد علم ادب یا هنر بیان عبارت [illegible] که [illegible] مقصود [illegible] جودت در شعر و نظم است که دلالت

---

(۱) اشعار ذیل را در زمان ریاست جناب فاضل کامل آقای [illegible] رئیس معارف سابق و نماینده فعلی فارس که انجمن ادب را تشکیل [illegible] در جواب [illegible] سبک ادبیات از مجموعه غزل یا قصیده [illegible] تغییر و [illegible] ادبیات را در کالبد آن [illegible] آقای [illegible] فرموده بود و سید [illegible] ادب [illegible] کرده‌ام

دوش در کنف انس در انجام
ادب نفس جامعه شد بکلام
ادب نفس علم اخلاق است
ادبیات آن دیگر را نام
ادب نفس نور آتشی است
ادب کلام جودت تام
که در انسان [illegible] اخلاق است
[illegible]
شعر [illegible] ادب نفس است
که شود در کلام [illegible]
[illegible]
چون [illegible]
ادب آن بود اگر نفس است
ادب نفس جودت در کلام
نظم چون [illegible] کامل
از [illegible]

بر جودت سعی کند. لیکن نزد آنان شامل که روح اعتقادی هست و مبداء و از روح اعتقاد و این است از نویسنده یا شاعر افعال زشت و سلوک از حسن و قبح با یک قلب طاهر بی آلایش مشاهده نماید توصیف تحسین و تقبیح که با تمثیل و تشبیه یا قصه و حکایت بنماید.

شعر و نظم

در علم عروض تعریف شعر را بکلام موزون و مقفی نمایند. - این تعریف نظم است نه شعر تا حسینی ادیب ادبای ایران شعر را بمعنی حقیقی خود تعریف کرده که در جلد دوم این رساله ملاحظه خواهید فرمود. در علم منطق تعریف شعر را بکلام نفسی تخیلی نموده و حقیقة تعریف صحیح شعر همین است. نظم کلام عقلی است و شعر کلام نفسی و عواطف خواه در لباس نثر باشد مثل اغلب کتب آسمانی یا آنکه در لباس نظم باشد مثل اشعار سعدی و غیره.

[illegible]

شعر و نقاشی و موسیقی از فنون جمیله است و مرجع تمام تصویر جمال طبیعت است. شعر نقاشی ناطق است و نقاشی شعر صامت. شعر تصویر جمال طبیعت را با الفاظ و معانی میکند موسیقی بنغمه و الحان. بعبارت ساده نفس تحسین و تقبیح اشیا که مستشعر میشود به شعر بیان میکند یا از راه تعریف یا تقبیح بوسیله الفاظ و کلمات و معانی مخیله بر بیان آن شعر است.

[illegible]

یا سخن معانی مرغوب کشیّت الفاظ خوب است (شعر مقرّب شیر است یعنی آواز شور مصدر آن است) جرجی زیدان

شعر بعد از اسلام بچهار قسم منقسم شده است اوّل شعر حماسه - دوم وصف - سوم تشبیب - چهارم غزل. امّا ادبای فرنگ تا زمان دیگر نیز شعر را سه قسم نموده اوّل لیریک یعنی تغزّل دوّم درامی یعنی تمثیلی سوم اپیک یعنی وصفی (شرح هریک در جلد دوّم می‌آید.)

شعر قبل از اسلام در ایران و قیاسات عرب

بشهادت تمام مورّخین در دو وقت کتابخانه‌های فارس طعمهٔ آتش شده یکبار زمانی که چون مصروع شعر در اسکندر فیلیپ علوم و ادبیات ایران را بزبان یونانی ترجمه کرده اصل فارسی آنها را سوخت و خرمن شرافت ایران را با آتش ظلم و عداوت و دشمنی بر باد داد و دوّم که دولت عمر ابن عمر کتابخانه‌های ایران را سوختند و در توپهای حمام برافروختند و همین خرمن ما را بباد دادند بلکه تمدّن و شعرای عالم بشریّت چنان ضربه وارد آوردند که تا قیامت جبران ناپذیر است. عظمت دولت ایران و ترقی و تعالی علوم و ادبیات در آنها [illegible] بود که باوجود [illegible] آثار و علوم آنها [illegible] کتب خود بهمان [illegible] امروزه [illegible] ایران و [illegible] علوم و ادبیات [illegible] از [illegible] هر [illegible] شعر [illegible] و ادبیات [illegible] شرح [illegible] از [illegible] دلیل ... ۱ - [illegible] که [illegible] اشعار [illegible] است

چنانچه در سال ... المقتطف صفحه (۴۳۳ ۳) (۹۰) چند شعر آنرا معرب نموده و ما ذیلاً نگاشتیم

إني أبثّن يا جُحّ السيد السلم — أهورمزد التي تصغي إلى كلمي
أنعم عليّ فهو يا لو بمعرفة — واسمع الطائب يا مهدي الكلمي
لكي نعلم ما اخترناه معتقدا — من قبل ما تقتدي كنّا على وضم
هذين روحان (١) منذ البدء قد وجدا — في الخير والشر خيرا غير منقسم
وميّز الخير من شرّ يخالفه — في الفكر والقول والأفعال في القيم
هذا الحياة ومعها الموت قد خلقا — في لبه قسمة أهل النور والظلم
فاختار ضدّهما الخير المقسم به — ولختار والشر أحاجيها الأمم
نامت من الأشرار أشقيا — على مبادرة الأفعال بالقسم
لكنّما الفوز للأخيار محتفظ — والعلم والفضل بين أفعالهم
والأرض تحسبهم بأسا وقبله — وأنت يا مزد بالإكرام بالنعم
تيهم بالباب يوم تمته — من كل من عصوا في نشيم
يوم يجازي بالأشرار جهلها — لأنهم سلكوا بالحق والقيم
فاسعوا للتقوى من الدعوى جسام — إلى التقدم والإصلاح والسلم

(١) — کلمات قصار ونصایح وحکمیات و هنوز اندرزها بی سلاطین و وزرا مثل ...

(١) العقل الصالح (٢) چهره واهریان

و بزرگان ایران است که در کمتر کتابی است که در صدر اسلام (از عربی بفارسی) نوشته شده و ذکری از آنها نشده باشد .

۳ – آب و هوای باصفا و جو صاف شفاف و جلگه‌ها و صحاری و کوههای دلکش و آسمان مهوش ایران که بلاشک آن مناظر دلکشا ایجاد قریحه شعر میکند .

۴ – قدمت تمدن و کثرت حضارت ایرانیان است که از بزرگترین موجبات پیدایش قریحه و طبع شعر و ادبیات آنان است . زیرا که مسلماً چون ملتی از جهات ضروریه فراغت حاصل نماید بکمالیات میپردازد و ملتی مثل ملت قدیم قویم ایران با آن همه مناظر زیبا بلاشبهه اول گامی که در عالم کمالیات برداشته ادب و شعر و خطابه و خطبه بوده است علاوه بر زد و خوردها و جنگهای بزرگ ملت و دولت ایران با یونان و روم سالها بوده که شعر و خطابه را در آن میدان بوجود آورده . بقول جرجی زیدان در جنگها همیشه [illegible] بوده شعرا و خطبائی که [illegible] شجاعت و [illegible] بلشکریان بدهند [illegible] اولیه و امری بدیهی و طبیعی است . چنانچه جرجی زیدان در کتاب تاریخ آداب اللغة العربیة جلد دوم صفحه ۲۹ گوید :

در جنگها [illegible]

[illegible]

[illegible]

سوق چنین لشکری بر نمی آید تا چه خاصه در بیست و چند قرن قبل از این. دولتی که قوت آن باین اندازه باشد از ادب و علم خالی نیست و اهل فارس از اهل ذکاوت و تعقل هستند و استعداد فطری آنها در تمدن زیاده بوده است. در نظم شعر هم صاحب قریحه جید عالی بوده چنانکه از خواندن آنها معلوم میشود و امثال آن در شعر باقی مانده علاوه که در علوم قدیمه از قبیل طبیعیات و ریاضیات و نجوم و انواع دیگر لوژی ها مقام عالی احراز کرده بودند»

۵ - وجود موسیقی که از مدار ادبیات شعر و از فنون مستظرفه هستند و نکیسا و باربد دو نفر موسیقی دان معروف ایرانند که چندین بحر شعر و دستگاه موسیقی را اختراع نموده اند مثل خسروانی - اورامن - لاسکو - پهلوی.

۶ - یکی دو شعری است که از بهرام و دیگران معروف است مثل:

منم آن شیر دمان و منم آن ببر یله - نام بهرام مرا و پدرم بو جبله. و دیگری

شیرا بگو این اندیشه نری - جهان را به بیدار تو شهر نری.

۷ - منظومه که یکی از قدیمترین آثار ادبیات و شعر است. جرجی زیدان در جلد اول صفحه ۱۲۳ گوید -

(۱) اخیرا جستجوها [illegible] که [illegible] و با معاصرین [illegible] یاد گرفته و از [illegible]

[illegible] و در [illegible] [illegible] و فارسی [illegible] بوده

۸ — پیدا نشدن کتب شعری و علمی است در زمان خلفاء، در حینی که اصفهان که از جمله دانش
و حکمت بود و والی کسب تکلیف از خلیفه کرد. خلیفه جواب داد که آنها را اگر موافق قرآن هستند
هرگاه موافق است که قرآن برای ما کافی است و اگر نیست که کفر است در هر صورت آنها را
بسوزانید باری آنها را سوختند (۱)

۹ — علم تاریخ است که جرجی زیدان همه جا اعراب را در تمام علوم خاصه تاریخ و موسیقی
خطاء . . . . . و شاگرد و دست پرورد ایرانیان و فارسیان میداند.

(دلائل اقتباسات عرب از ایرانیان)

(قبل از اسلام)

جرجی زیدان در کتاب مذکور ص ۹۳ و غیره چنین گوید:—
«اعراب محصور در جزیره و منقطع از . . . و عقلی دارای خشونت بوده و معیشت ابتدائی

---

(۱) — صاحب تذکره دولتشاهی قضیه را نسبت به دوره خلفاء عباسی [illegible] داده است و این [illegible] کلی دارد با آنچه که جرجی زیدان در جلد ۳ ص ۱۹ گوید —: «آزادی دین یکی از مزایا عصر عباسی است و افکار مردم از حیث دین مطلق و آزاد بوده است سبب رواج شده که خلفاء [illegible] سنه ۲۶۵ در اسم زندگانی [illegible] بعد . . . خلفاء عباسی از زبان [illegible] سبب آنکه دست . . . ترویج میکردند. چنانچه شعراء در مدح آنها به زبان فارسی شعر گفته اند و صله دریافت کردند.

سخت رد بود و هر وقت اسم فارسی‌ها را می‌شنیدند، خیلی عظمت بآنها میگذاشتند و همیشه تمدن و بزرگی و سلطنت کسری (انوشیروان) ضرب‌المثل آنها بوده.

در جلد اول ص ۳۶۲ گوید: "مصر و شام تحت سیطره و سیادت رومیها و عراق و یمن در تحت سیطره و سیادت و قیمومیت فارسیها بود".

در جلد اول ص ۳۰۸ چیزی گوید که ما باختصار خلاصه آنرا درج میکنیم: -

"اقتباسات اعراب از فارسی‌ها در صنعتی که در قرن اول و دوم قبل از اسلام بواسطه نزول فارسیها در یمن برای اخراج حبشه پیدا شد زیادتر شد. پس از آنکه ایرانیها اهل حبشه را از یمن راندند، در آنجا متوطن شدند و مزاوجت و مخالطت تام نمودند و اهل حبشه بحجاز قشون کشیدند و با فیلهای خود در خانه کعبه را گرفتند. فارسیها بحجاز آمد و شد کردند و اهل حبشه نیز از آنجا فراری شدند و با اهل حجاز نیز خیلی مخالطت را گذاشتند و در واقع یمن و حجاز جزو مستعمره ایران شدند" و اما آنکه عرب از لغت فرس بیشتر از سایر ملل مجاور اقتباس کرده و از اینجا است که می‌بینیم اکثر لغت هرگاه لغتی بر آنها مشکل شد میگویند فارسی است.

(تذییل)

حتی خرابی خانه کعبه و مکه را که از شکست کشتی و استمداد اهل حبشه که معروف العالم اهل صنعت است ایرانیها مرمت نمودند چنانچه در جلد ۱ صفحه ۱۳۴ و ۱۳۵ در تحت عنوان اصول موسیقی و الغناء بالمعطابی گوید که چونانکه مشهور است علم موسیقی از فنون جمیله است و مشهور است در تاریخ

اسلام قبل از هر علمی از فارسیها اقتباس نمودند تا این قسم که رجالی از فارس در
ترمیم کعبه مشغول بتغنی و موسیقی ایران مترنم بودند ابن سریج که از موالی بود بشنید و خوشش
آمد و موسیقی را از فارسیها فراگرفت پس از دخول در فارس الحان فارسی کاملاً درمیان
آنها شایع شد (جای دیگر تصریح کرده که قبل از اسلام زمان جاهلیت نیز موسیقی را از
فارسیها فراگرفتند) در ص ۳۴ گوید:-

"اعتماد عرب در نجوم و سیر و آداب و حکم و تاریخ و موسیقی بر فارسیها بوده"

در جلد ص در پیدا شدن قریحه شعر در عرب گوید:--

"پس از اختلاط فارسیها در یمن و حجاز با یک زمانی قبل از اسلام (کمتر از یک قرن)
و بواسطه زد و خورد قبایل اعراب و جنگهای داخلی میان آنها قریحه شعر در آنها پیدا شد".
مثلا این قریحه بواسطه تقلید از فارسیها در جنگ حبشه بوده. خاصه که در جای
دیگر گوید:- انوشیروان در اهواز جندی شاپور بیمارستان و مدرسه و انجمن علمی و
ادبی تأسیس نموده و علما از کلیه اطراف در آنجا حاضر شده و در علوم مختلفه بحث و
تألیف و ترجمه مینمودند بلکه نوشیروان که از اعراب نیز که در دربار دولت متبوع خود می آمدند
و از آنها علم و ادب را جمع نموده و شنیده در خاطر آنها جاگیر شده تا آنکه در اندک زمانی
قبل از اسلام قریحه آنها منتقل گشته و شروع بشعر گفتن نمودند.

لذا معلوم گردید هر چیز که در عرب دلالت بر تمدن و حضارت دارد اقتباس از فارسیها

شده چنانچه در صفحهٔ ۳ بازگوییم –

بیشتر لغاتی که اعراب از فارسیها اقتباس نموده‌اند اسماء عقاقیر و ادویه و بیشتر
و ادوات و آلات و مصنوعات و معادن و امثال اینها است، که از اینرو فارسی حمل
بلاد عرب شده است که اعراب [illegible] آنها را قبول نمودند

ثانیاً – اینکه در بعضی مواقع [illegible] زیاد از آسیای [illegible] روم و حبشه و مصر و قطر
با اعراب مصر و شام دارد. زیرا که آنها بودند که در تحت تسلط روم بودند و یمن
و حجاز و عراق قلمرو ایران بود و [illegible] بسیاری از لغات مثل
منبر و منافق و امثالها از زبان حبشه در تحت قلمرو که در یمن و حجاز نفوذ داشته‌اند
داخل زبان عرب شده باشد. لیکن مستقیماً [illegible] ایران نموده چنانچه [illegible]
اشعار این معنی نموده و در همه جا دلائل آن داشته که [illegible] زبان عرب از
ایرانیان است که در تحت نفوذ ایرانیان بوده‌اند [illegible] تابع و متبوع است

ادبیات ایران بعد از اسلام [illegible]

ایرانیان با پیغمبر اکرم صلعم و بعد در ترقی اسلام [illegible] شدند و خود
پیغمبر [illegible] نیز با ایرانیان به کثرت و عظمت سلوک [illegible] اظهار نموده ایران در عصر
خندق و قضیه کشتی [illegible] ارتباط [illegible] نموده [illegible]
[illegible] که حضرت فرموده‌اند سلمان منا اهل البیت و [illegible] ایرانیان

همین سبب است که لو کان العلم فی الثریا لناله رجال من اهل فارس درباره آنها فرموده .
ایرانیان هرگز گمان نمیکردند که بعد از رحلت حضرت ختمی مرتبت ص خلفا خیال تعدی
وتجاوز از حدود خود نمایند . خلفا این حسن ظن و عقیده را فوز عظیمی دانسته و غفلةً با ایرانیان
تا حقیقة ایرانیان خوب که ملتفت شدند دیدند اعراب سر عصیان از خود و از متقین
خویش خلیفه تراشیده در بغداد قلمرو مملکت ایران نمایند و زمام سلطنت را بدست
گرفتند تا ایرانیان خود را تسلیم اعراب نمایانند بنی امیه هر چند صباحی توانستند
در دمشق (که از ترس ایرانیان پای تخت قرار داده بودند) زیست و سلطنت بر اعراب
نمایند چنانکه ایرانیان حاضر بمتابعت آنها شدند بنی عباس را که از خود شان بود بخلافت
دینی نشاندند و محض احترام دین اسلام و شارع آن ، علوم و تمدن در میان عرب ترقی
وبسط دادند لیکن زمام سلطنت را خود بدست گرفتند و خلفا بجز دست نشانده ای
آنان بیش نبودند و یکی از مزایای ایرانیان [illegible] حمایت از آل و خاندان پیغمبر ص
و تعقیب [illegible] دیگر نزد داران مملکت ایران [illegible] مساعدت با آنها بوده .
جرجی زیدان در کتاب تمدن اسلام جلد [illegible] ص [illegible] گوید : —
"در دولت امویه عنصر عرب غالب بود و در دولت عباسی فارسی"
ونیز در جلد مذکور ص ۱۷ گوید : —
"پایتخت اموی دمشق و عربی بود اما عباسی ها را که فارسها نصرت کرده بودند پایتخت

آنرا بغداد حوالی بلاد خود قرار داده بودند و وزراء و امراء و سرکردگان آنها تماماً
فارسی بودند"

در اقتباسات ادبیات و شعری عرب گوید :-

" وخصوصاً ما نقل عن الفارسية لان معظمه في الادب

خاصه از آنچه از فارسی نقل نمودند زیرا معظم آن در ادب

والتاريخ كما اثر في آداب الاجتماعية ما نقلناه في نهضتنا

و تاریخ بود چنانچه در آداب اجتماعیه ما آدابی را که نقل کردیم در این نهضت جدید

هذه عن الافرنج فضلاً عن دخول الفرس في كل باب من

از فرنگیهاست علاوه بر آنکه فارسیها در هر بابی از

ابواب الدولة فدخل في آداب العربية والافكار العربية

ابواب دولت داخل بودند در آداب عربیه و افکار عربیه

كثير من آداب الفرس السياسية وافكارهم اقتبسها العرب

بسیاری از آداب فارسی بالاخص سیاسیات و افکار آنها داخل شده و عرب

من الكتب التي نقلت عنهم

از کتبی که از آنها نقل کردند اقتباس نمودند [illegible]

مانند تقلید نوشیروان مجامع علمی [illegible]

در جلد دوم صفحه ۳۴ بیان مفصلی دارد که مجملش این است :-
در عباسیهای اول بواسطه تقویت فارسیها غلبه کردند و فارسیها از دربار
سلطنت اولیه رسیدند .... و اسلوب شعر و معنی آن و آداب شعر
فارسی و عبارات آنها در عرب داخل گشته و شعر عربی از خشونت بداوت خارج شده
و خیال لطیف و معانی جدید فارسیها را بخود گرفت و حضارت و تمدن عباسیها از
فارسیها بوده و در زبان اعراب علاوه بر لغت بسیاری از معانی فارسی داخل گشته
حتی بعضی از جمله های فارسیها را اقتباس کردند و در اشعار خود داخل نمودند مثل عمانی در قصیده
که در مدح رشید گفته است .

من يلقه من بطل مسرندي   في زغفة محكمة بالسرد
يحول بين رأسه والكرد   (یعنی گردن)
لما هوى بين غياض الاسد   وصار في كف الهزبر الورد
آلى يذوق الدهر آب سرد   (آب جانیده)

و شعر ابو العباس مروزی در حق مأمون شعری است که بجواب داده که با بودن زبان
عرب شعر فارسی را چنین گفت .

ای رسانیده بدولت فرق خود بر فرقدین   گسترانیده بفضل و جود در عالم یدین (۱)

---

(۱) علماء تذکره و تاریخ وقوع این قصیده را جعلی و از اصل باطل میدانند .

در ص ۳۰ گوید:—

وکان للوزراء الفرس تأثیر کبیر فی تلک النهضة و

و وزراء فارسی در نهضت عباسیها سبب عمده بودند و فارسیها

اهل مدنیة وکانوا قوماً فی نهضة علمیة بدأت

اهل تمدن قدیم هستند و در ایشان در نهضت علمی بودند که از زمان

من زمان کسری انوشروان وکان البرامکة علی الخصوص محبون

انوشیروان شروع شده بود و برامکه مخصوصاً

العلم والعلماء ویبذلون المال فی تقریبهم واستحثاث

علم و علماء را دوست میداشتند و در تقرب آنها از بذل مال دریغ نداشتند

قرائحهم فوقف الأدباء والشعراء علی ابوابهم کما وقفوا بباب

و ادباء و شعراء در در بار آنها مانند دربار رشید

الرشید وکانت ایادیهم بیضاء فی ترجمة العلم القدیم الی العربیة

همیشه همیاری دست داشته و در ترجمه علوم قدیمه بعربی بیضا داشتند

اشهرهم فی العصر العباسی الاول آل برمک وآل فضل

مشهورترین آنها در عصر عباسی اول آل برمک و آل فضل بودند

در جلد ۴ ص ۹۹ گوید:— (باختصار)

"وكان الأعاجم دخلوا الاسلام من اهل فارس والعراق و

و فارسیها که داخل اسلام شدند از اهل فارس و عراق و خراسان .

خراسان يفتقرون في تعليم العربية الى قواعد وشواهد لأنها

در تعلیم عربیه مفتقر بقواعد و شواهدی بودند . زیرا که

ليست لغتهم فنبغ من هؤلاء طائفة من الادباء كان لهم فضل

زبان عرب زبان آنها نبود لذا در میان آنها طایفه از ادبا جوشیده پدید شدند

كبير على آداب اللغة .

که فضل و منت بزرگ بر سر آداب لغت و ادبیات عرب دارند" .

ایضا در جلد ۲ ص ۵ گوید :- (ایضا باختصار)

" و بیشتر از شعراء این عصر از موالی بودند و این عجمیها بر اعراب تفوق و مساواتی

در شعر و ادب جستند چنانکه هوراس و فرجیل بر کبراء شعراء رومان جستند"

در جلد ۲ ص ۱۰۳ گوید :-

" اول کسی که جمع اشعار عرب نمود درست حماد راویه . که معاصر امویین و

عباسیه بوده است و اصل آن از اهل دیلم است" در نشاء گوید :-

" نشاء در صدر دولت عباسی بواسطه اختلاط بفارسیها و از آنچه ترجمه از ادبا

آنها شده اتساع و تأنق یافته) ایضا گوید :-

«اسلوب انشاء مرسل در عصر عباسی شد که مردم محتاج بتالیف و تدوین افکار
از پیش نفس خود بودند یا آنکه محتاج بنقل افکار دیگران بزبان خود بودند و مشهورترین
اشخاصی که انشاء مرسل را رواج داد عبدالله ابن مقفع است بنقل کتاب کلیله و دمنه
وغیره از فارسی قدیم پهلوی بعربی و ابن مقفع عریق در فارسی و عالم بآداب و اسباب
آن بود زیرا که فارسی لغت او بوده و لغت آباء او بوده و یونانی را نیز خوب میدانسته
و هر کس بعد از او آمده مقلد او بوده اند زیرا که قدیمترین کتابی است در موضوع
و ترجمه بلغت عرب و کتاب کلیله و دمنه قدیمترین کتابی است در انشاء مرسل از قلم یکنفر
علماء فارس و از لغت فارسی ترجمه بعربی نموده و از تمام کتبی که بعد از آن نوشته شده است
حتی زمان ما هذا اسلیس و خوش عبارت تر است و هر کس بعد از او سعی کرده که مثل او بنویسد
و اتیان بمثل آن کند از عهده بر نیامده با وجود آنکه در آن عصر فصحاء و بلغاء بی نهایت بودند»

در جلد ۲ ص ۲۲۳ - الی بعد گوید «خلاصه ترجمه آن این است»:

«دولتهائی که باین نهضت مساعدت کردند»

(یعنی بدولت عباسی)

۱ — دولت بویهیه است در عراق و فارس رجال این دولت و بعضا آنها از دیلم متعلق بگیلان بودند. ولکن سلاطین آنان آل بویه از فارسها بودند و نسب آنها تا سلاطین فارس قدیم میرسد (آنها با اهل بیت مساعدت نموده و شیعه بودند) و سلطنت آنها بر عراق

و فارس و خراسان اشتغالها طول کشید و علم و ادب را دوست میداشتند و تمام وزراء و منشی های خود را از علماء و شعراء و نویسندگان نامی انتخاب مینمودند مثل ابن عمید و صاحب بن عباد و سابور بن اردشیر علاوه بر آنکه تمام قضاة و عمال حکومتی آن دولت از علماء بودند . و سلاطین آل بویه تنها نه دولت آنها از اهل علم و ادب و شعر بودند و مشهورترین آنها از حیث بسط سلطنت و سطوت عضد الدوله است که در سنه ۳۷۲ وفات یافته است . و عضد الدوله یکی از ادباء و علماء نامی بود که شعر بسیار نیکو میگفت و همیشه علماء و نویسندگان زبردست در دربار او می آمدند و آنها را برای ترقی و تشویق تعلیم و تالیف کتاب مینمود و بیمارستان و رصدخانه بنا نهاد بعد از او پسرانش هم سلطنت را بنحو گذشته گذاشت و خلفاء دست نشانده آنها بودند و معز الدوله و رکن الدوله و معز الدوله تمام از علماء و شعراء معروف بودند و سعی آنها در نشر و رواج علوم و ادبیات بود .

(۳) - دولت سامانیه در ترکستان

سامانیه در خراسان و ترکستان سلطنت داشته و دربار آنها محل اجتماع دانشمندان و علماء و شعراء بوده و در نیشابور قدیمترین مدارس اسلامیه را بنا نهادند و تمام آنها در علم و ... تعلیم و ادب و شعر مشهور بوده اند .

منصور ... بلعمی فارسی را وزیر خود کرده و تاریخ طبری را برای او ترجمه نمود و دقیقی را

امر بنظم کردن شاهنامه نمود که دقیقی کشته شد و فردوسی بعد او را با تمام رسانید

(۳۳) – دولت زیاد و طبرستان

مشهورترین آنها قابوس وشمگیر است که شاعر و ادیب عالم و در فلسفه و شعر و انشا و نجوم و سایر علوم و معرفت نهایت زبردست و مربی اهل علم و ادب و فلسفه و علم بوده و قابوسنامه یکی از جمله تألیفات اوست .

(۳۴) – دولت غزنویه

معروف‌ترین این سلسله سلطان محمود غزنوی است که فاتح بزرگ هند و مروّج اسلام در هندوستان و دربار او محل و مهبط شعراء و فضلاء و علماء و ادباء بوده و فردوسی را با کمال اهتمام شاهنامه دقیقی امر فرمود .

از بیانات جرجی زیدان که ترجمه نمودیم بخوبی ظاهر و واضح شد که ایرانیان خلفاء اموی را منقرض نموده و بنی‌عباس را بجای آنان بخلافت رسانده و دست‌نشانده خود نمودند و ادبیات ایران تأنیا و تجدید و اصلاح نمودند و دوره ادبیات از پرتو وجود و مساعی سلاطین و وزراء و ادباء ایران از نو رونق گرفت و از نو تجدید رفعت دولت ایران بپایه اعلی رسانیده و عربستان باز در حکم یک مستعمره از ایران شد الا این دفعه بواسطه وجود پیغمبر اکرم صلعم بیشتر توجه ایرانیها شد و چون دین برحق آن حضرت را قبول کرده بودند ناچار شدند زبان اعراب را تنقیح و اصلاح نمایند و ادبیات

آنها را در تحت ضابطه علمی درآورند. و سایر علومات را داخل زبان کردند
در رفع احتیاج خلاف و اولادهای بعد نمودند. از باب چنین رسمی که اختیار کرده بودند
یعنی اسلام نمایند.

با استعمال زبان آباء و اجدادی خود که از وحشیگری خلفاء و والیهای عرب
متفرق شده بود جایز نمودند و زبان دری قرار دادند، چنانچه مشاهده نمودیم
اعراب شعر فارسی گفتن را افتخار خود میدانستند و از قصیده خاقانی در مدح ... شده بود و از
قصیده ابوالعباس مروزی در مدح مامون که در عهد بنی‌عباس ثابت میشود. آل
طاهر و صفاریه قبل از همه شروع به اصلاح و جمع آوری گفتن شعر فارسی نمودند و قبل
از آنان هم شعرائی بودند که بفارسی شعر گفته‌اند در جلد ۲ ملاحظه خواهید نمود.

ادبیات فارسی بعد از اسلام

در جلد ۲ مفصلاً شعرا و خطابات و ... نوشته‌ایم که ایرانیها حتی
در جنگهای با عرب در قرن اول هجرت بفارسی شعر گفته‌اند و ادبیات خود را به
اندازه‌ای از دست نداده و تاریخ ادبیات قبل از اسلام و بعد از اسلام را باید
وصل و شرح آنها در آنجا به تفصیل مذکور داشته‌ایم و پس از آنکه تاریخ ادبیات
اهل عالم را اینجا ذکر نموده و به اندازه‌ای توانسته‌ایم ثابت نمائیم که اصل ادبیات و علوم
اهل عالم از ایرانیان است ادبیات ایران اقتباس از ادبیات اهل عالم نموده‌ایم دو ...

کلاسیک و رمانتیک و فنون شعریه ازلیریک و دراماتیک واپیک اروپاییان را با ادبا و شعرای زبان عربیه و اسلامیه و غیره مطابقه نموده‌ایم (۱).

بجا است مختصری بسیار کمی از علوم اسلامیه که ایرانیان دخل در دوره اسلامی کرده‌اند یا بعبارت اخری هر علمی که عرب معروف است از صرف و نحو و لغت و فقه و تفسیر و طب و تاریخ و نجوم (ادبیات را مذکور داشتیم) و غیره و غیره از عجم ایرانی دارد در اینجا مختصراً مذکور خواهیم داشت.

علوم دخیله در عرب بعد از اسلام
(بواسطه فارسیها)

در مطالب سابق مذکور داشتیم که ایران در زمان انوشیروان یکی از اعظم قوای روی زمین بود که مثل فرانسه و انگلستان امروزه صاحب مستعمرات بود و در همین حال صاحب مدارس و مریضخانه‌ها و حکما و اطبا و شعرا (۱) و مورخین (۲)

---

(۱) — ابن مقفع گوید در فنیکه کلیله و دمنه را از هند آورد برزویه : انوشیروان شعرای را امر نمود به نظم فارسی کشند.

(۲) — کتب تاریخ ایران بنام خدای نامه‌ها و آئین نامه‌ها ترجمه داده شد و مستند. یکی از معروفترین آنها کتاب آئین نامه‌ها است که هم باید به زمان انوشیروان بوده و گم شده است.

و دبستان سرایان و وزراء بزرگ و سرکردگان نامی مدبر (دیسلوساس) بود و انوشیروان
حکماء بزرگ را از هر جا سراغ میکرد و بدربار خود می آورد حتی هفت نفر حکیم یونانی را که
فرار کرده بودند پذیرفت و شخصاً خودش در علم و ادب و حکمت یدی طولی داشت و
او را شاگرد فلاسفه [illegible] میخواندند . اعراب بدوی خشن بواسطه قرب و مجاورت و
سکونت شئون ایرانیان در عربستان و از علم دوستی انوشیروان کم کم چشم و گوش
باز کردند در نتیجه شعرا و خطبا پیدا شد خطبا فهمیدند معنی مملکت و دولت و دین و ادب
و فصاحت و کلمات قصار و احکام و نصایح سلاطین را [illegible] ملتفت شدند
و همان بذرها که در زمان فتح و غلبه انوشیروان در میان عرب پاشیده شده بود سبب
آن گردید که [illegible] نشسته در دنیا صاحب ملک و دولت و دیانت و اسم و شهرت [illegible]
گردیدند و ایرانیها قبل از اسلام چنان بودند که آفتاب پیغمبر اعظم اسلام طلوع نمود و در دنیا
همگی [illegible] ایرانیها زیبا عبادت اسلام را [illegible] نکردند [illegible]
پیغمبر عبدالله صلی الله علیه و آله به حقانیت اسلام آوردند و برای ترویج دین آنحضرت [illegible]
که خود مؤسس و مصنف بودند مثل حکمت و ادب و طب و نجوم و سیاست و ادبیات
تاریخ [illegible] و علوم دیگر را که مثل [illegible] از [illegible] ترجمه نمودند [illegible]
در زبان عرب [illegible] کرده و [illegible] زبان [illegible] آنها بود بهتر از خود [illegible]

[illegible] ترجمه [illegible] عرب [illegible]

ترجمه و تألیف نمودند از جمله شعراء و ادباء و خطباء و مثالهائی که پیش ذکر
داشتیم قبل از اسلام و دخول عرب، تمثیل معانی حکمیه و لطائف ادبیه و پاره مصالح
عرب را ایرانیان بعد از اسلام و دخول عرب نمودند.

جرجی زیدان گوید:

فلما رأيت اكثر المشتغلين في علوم العرب واخبارها نازلة

شما خواهید دید که بیشتر مشتغلین در علوم عرب و اخبار آن از
من العراق والفارس وخراسان

فارس و خراسان وارد عربستان شده بودند. علوم را که بعد از
اسلام و دخول عرب شد تحقیق کنید خلاصه آن این است:

جرجی زیدان گوید:

لم ينقل الينا شيء استقلالا او ما ترجم الى العربية في

کتاب الأغانی ... در علم ... از کتاب ...

ولقد سمّي بالفارسية مفتاح القناع وألف كتاب الذي لم

... و آن را تألیف کرد ... احد
يسبقه احد مثله

قبل از آن هم نوشته بود ... آن ... و کتب ... و ابو علی از اهل فارس و

و قراء از اهل دیلم و ابن مسکویه از اهل اهواز بودند و بسیاری دیگر از نحاة بوده اند که ایرانی بوده.

لغت – لغت عرب را چون ایرانیان برای مذهب خود محتاج بودند مسافرت در میان عربها نمودند و لغت عرب را مدون نمودند مثل جوهری در صحاح و فیروزآبادی در قاموس.

قرائت و فقه – جرجی زیدان میگوید بعد از رحلت پیغمبر علوم عرب منحصر بقرائت قرآن بود و عبد الله ابن کثیر که یکی از معتبرین ایران بود و در زمان خلفاء ثلاثه معتبر از تمام قراء قرائت میکرد. و در جلد دوم ص ۱۳۲ گوید:–

"وکانت علوم القرآن قد انتشرت فی العراق وفارس ونبغ

و علوم قرآن در عراق و فارس منتشر شد و از ابناء فارس رجالی

من ابناءها من دونّ الفقه والفتیا والمسلمون عصابات

جوشیده که فقه را نوشتند غیر از عرب بودند هم

هنا اکثرهم من الفرس وهم اهل تمدن وعلم فعهدوا الی اسیادهم

که بیشتر آنها اهل فارس بودند و فارسیها اهل علم و تمدن بودند عهد اقیاس

الفیاس التمیلی فاستخراج احکام الفقه من القرآن والحدیث

عملی را برای استخراج احکام فقه از قرآن و حدیث اختراع نمودند.

اعتذار

اگر خواسته باشیم تمام علوم را یک عبارتی عربی نقل کنیم از حساب این رساله بکلی خارج [illegible] است. لذا فقط اکتفا میکنیم بیان اسم رجال و علمائی که علم را داخل کرده اند.

تفسیر — ابی جعفر و بیضاوی و ... تفسیر را داخل زبان عرب کردند.

حدیث — بخاری و مسلم القشیری نیشابوری و ابن ماجه قزوینی و غیرهم احادیث را ترتیب و مدون ساختند.

فلسفه — ابی نصر فارابی و ابوعلی سینا و ابن مسکویه و غیرها داخل نمودند.

شیمی و جوهری — ابوبکر رازی و غیره داخل نمودند.

موسیقی را مذکور داشتیم.

تاریخ — دخول تاریخ و قصص قبل از اسلام شروع شد و بعد از اسلام خلفاء ... نوشتند و تاریخ سلاطین ایران و عظمت و کلمات بزرگان ایران را میخواندند و بعد از دوره عباسی ایرانیها تواریخ عامه و خاصه را بزبان عربی نوشته اند. چند نفر از آنها ... تقدیم و تأخیر ...

مسعودی — حمزه اصفهانی — ابن مسکویه (از جمله فلاسفه هم بوده) ابو الحسن الثعلبی ابو منصور ثعالبی — ابن جریر طبری — ابوزید بلخی — ابن طیفور خراسانی و غیره.

جغرافی — ابن خردادبه — ابن الفقیه — اصطخری — ابن رسته اصفهانی
ابن حائک همدانی — بزرگ بن شهریار جغرافیدانان عرب بودند.

ریاضیات — ابوبکر خوارزمی که در تمام علوم ریاضی از حساب و جبر و مقابله
و نجوم و هیئت و غیره بعربی چیز نوشته و حتی ارقام هندی را داخل زبان عرب نمود.

ادباء و شعراء و منشی ها — سهل بن هارون — ابوبکر صولی — مهیار دیلمی —
ابوالفرج اصفهانی — طغرائی ابن عمید — صابی — ابوبکر خوارزمی — صاحب بن عباد
بدیع الزمان همدانی — ابومنصور ثعالبی — ابوالفتح بستی و غیره و غیره.

قانون علوم متطرفه — فارابی.

قصص و حکایات و رمان و درام — در باب قصص
جرجی زیدان گوید: —

"لما شاعت الترجمات الفارسیة المتقدم ذکرها فی العالم
چون ترجمه های فارسی که ذکر آنها گذشت در عالم اسلامی داخل شد
العربی اخذ الادباء ینسجون علی منوالها الف لیلة ولیلة
ادباء بر سبک آنها رفتند. والف لیله ولیله مجموع قصص
مجموع قصص مسلسلة ولما اصل نقل عن الفارسیة قبل القرن
الرابع للهجرة — مسلسله ایست که اصل آن فارسی است که چهار صد سال قبل از [illegible]

دراهم و تیاتر — جرجی زیدان گوید —

التمثیل — ویرید به الروایات التمثیلیة وهو عظیم الاهمیة

مقصود ما قصص هائی که شبیه ذهنی آورند و دیرو فرنگان

عن الافرنج لانه یمثل الاخلاق والآداب والعادات علی

خیلی اهمیت دارد زیرا که اخلاق و آداب و عادات مردم را در صحنه نمایش

المراسح لیشاهد الناس ویعتبروا به ولو نظیره الشعر فی بلاد

مجلل اخبره نمایش با معاینه میکنند تا مردم ببینند و اعتبار بگیرند و ظاهرا شیعه

فارس فی تمثیل مقتل الحسین فی کربلاء فانهم یمثلون تلک الواقعة

در بلاد فارس در تمثیل مقتل حسین در کربلا این کار را میکنند زیرا که آنها واقعه را

علی المراسح فیشاهدها »

در مجلس تعزیه حسینیه و غیره ها در روز تاسوعا و عاشورا مجلس و معین نمایند اگر خواسته باشیم

علومی را که ایرانیها داخل زبان عرب کردند تماما حرف بحرف شرح دهیم رساله ما گنجایش

ندارد و برای فرصت دیگری که این رساله را مفصلا با شرح و بسط ظاهر میکنیم بگذاریم

تمت الرساله

آیة الله روحی شیرازی

منم که عشق را در آفاق آیه‌ای الهی است — به نور عشق جهان روشن از جمال من است

نعمت جملهٔ ذرات چو گردیده فاتح کل — چراغ عشق نکوست چو او کمال من است

زبان حال چو از وصف عشق مزمری است — صلای زد که جهان پرتو جلال من است

همه مناظر خوب طبیعت و عالم — ز بزم عشق و محبت رفیق حال من است

ز باسخای طبیعت بگوش جان گفت — عذار ماه رخان بهترین جمال من است

ز زلف و روی بتان هست گرد تمثال — ز سینه عکس رخ گلرخان مثال من است

معاشرت بکنم بر رجال پر خوب — چرا که آینه دور سپهر و ملال من است

روان پاک و دل ساده او است ناس — نگاه ملطفه چو سقراط حفظ بالمال من است

ز زندگانی ساده رسوی عصر خودم — که این [illegible] عقل و عشق صلال من است

وفا و رسم نکوان و هم جهاد خوش است — سپهر عشق به آفاق اتصال من است

مدبست رنج کشم کسب آب و نان جهان — کمال صفت آهنین آیه و بال من است

چو عشق ساخت باین کارهای حیرت مرا — که آسمان و زمین جلوه‌ای از خیال من است

چو عشم که هست مرا مال و جاه و زر و نسب — به فضل و علم و ادب فخر و اتکال من است

سعادت همه آفاق چون بعشق در است — منم که عشق در آفاق استدلال من است

بکس چو کینه ندارم بدل ز دشمن و دوست — قرین بعیش و خوشی جمله ماه و سال من است

درون جان من عاشقی است صاحب شکل — به از جهان همین گنج حلال من است

براه عشق سعادت چو مال و ملک بها — نثار کرده‌ام امروز عشق قال من است

حماسه روحی

که هست دوره عالم چو من تجدد خواه | که زد تجدد از این بیش خیمه خرگاه

سیاه کرده بسی کتب علوم نخبه سپید | سپید کرده بنشر علوم روی سیاه

مکن نظر تو به پیری من که پیری من | بکنه کاوی من در تجدد است گواه

در زمان کفالت جناب مستطاب فاضل کامل آقای میرزا محمد صادق (آلچ)
مفتش ایالتی معارف و اوقاف فارس از ریاست جناب
مستطاب حجة الاسلام آقای حاج سید محمد
(سلطان العلماء) رئیس معارف و
اوقاف فارس دامت برکاتها
تألیف گردید.

فی غره
شهر صفر المظفر من شهور سنه هزار و سیصد و چهل و پنج ١٣٤٥
کتبه الاحقر الضعیف محمد علی (شریف) غفر له

مطبع سپهر مطلع محمدی شیراز بتجلیل طبع مزین شد

تمت
